



/ Policy Analysis

دیدبان سیاست‌گذاری 3448

تقلا برای صلح در سوریه: یک دهه تصمیم‌گیری

به قلم Bassma Kodmani, رابرت فورد, جیمز اف. جفری

۵ آوریل ۲۰۲۱

همچنین دست‌یافتنی به

/ English

Arabic



درباره نویسنده



[Bassma Kodmani](#)

Bassma Kodmani is a member of the Syrian Constitutional Committee and Drafting Committee and a founder of the Syrian National Council, the country's first opposition coalition.



[رابرت فورد](#)

رابرت فورد از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴ سفیر ایالات متحده آمریکا در سوریه بوده است.





دو سفیر سابق آمریکا و یک مقام رسمی از اپوزیسیون سوریه در سه‌های متعدد ژئوپولیتیک سیاسی و انسان‌دوستانه مناقشات سوریه را برای دولت بایدن مرور می‌کنند

در ۵ مارس، انستیتو واشنگتن نشست از مجموعه نشست‌های مباحث سیاست‌گذاری را به صورت آنلاین با حضور بسمه قرضانی رابرت فورد و جیمز جفری برگزار کرد. بسمه قرضانی عضو کمیته قانون اساسی سوریه و کمیته پیش‌نویس آن و بنیانگذار المجلس الوطنی سوریه است که اپوزیسیون را نمایندگی می‌کند. رابرت فورد سفیر ایالات متحده در سوریه در سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴ عضو ارشد انستیتو خاورمیانه و هموند ارشد کیسینجر در انستیتو پیل جکسون برای مسائل جهانی است. جیمز جفری نیز در مقام نماینده ویژه ایالات متحده در امور سوریه (۲۰۱۸-۲۰۲۰) و معاون مشاور امنیت ملی (۲۰۰۸-۲۰۰۷) خدمت کرده است. او در حال حاضر رئیس برنامه خاورمیانه مرکز ویلسون است. در زیر خلاصه‌ای از سخنان اعضای شرکت کننده در این نشست ارائه شده است.

بسمه قرضانی

اوضاع در سوریه وخیم است. سرکوب و دستگیری فعالان سیاسی و افراد دخیل در فعالیت‌های بشردوستانه همچنان ادامه دارد. این کشور همچنین در آستانه یک بحران گرسنگی واقعی قرار دارد مگر اینکه در نحوه توزیع کمک‌های جهانی تغییراتی ایجاد شود. از دید بسیاری از سوری‌ها، تأمین خوراک تبدیل به تنها نگرانی و مشغله ذهنی آن‌ها شده، چرا که شهروندان عادی حتی توانایی تهیه نان را هم ندارند.

معلوم نیست که این محرومیت‌ها تا چه حد به خاطر تحریم‌های جهانی است، اما رژیم بشار اسد در تبلیغات خود مفصلاً بر تأثیر تحریم تأکید می‌کند. تحریم‌های جهانی خوب است مشروط به اینکه جامعه جهانی مراقب باشد و آنها را «هوشمندانه‌تر» اعمال کند و به دنبال تحریم افراد باشد. اما منع تأمین مالی برای بازسازی کشور دردناک است. سوری‌ها نیازمند مسیرهای آلترناتیو هستند – کمک‌های مالی باید به گروه‌های مختلف و خارج از کنترل رژیم اسد داده شود و ایجاد گذرگاه‌های مرزی «مخفی» یکی از گزینه‌هایی است که می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

در واقع پرسش اصلی این است که علاوه بر تحریم چه ابزارهای دیگری وجود دارد؟ آیا هدف ایالات متحده در سوریه فقط ایجاد انسداد است تا مانع از پیروزی روسیه شود؟ این راهبردی است که در گذشته از سوی مسکو دیده می‌شد اما راهبرد آمریکا این نیست. مسئله اینجاست که سرمایه‌گذاری کشورهای غربی خیلی دیر و بسیار اندک بوده و این رویکرد حاکی از دودلی گزینه‌های مناسبی برای آنها باقی نگذاشته است.

وضعیت روند دیپلماتیک نیز دلسرد کننده است. با روی کار آمدن دولت بایدن، امیدهایی برای تغییر به وجود آمده است. با محاکمه اخیر دو جنایتکار جنگی سوریه در دادگاه‌های آلمان، که شاید باعث شرمساری متحدان اسد شود، امیدهایی برای پاسخگو کردن رژیم سوریه هم وجود دارد. اما در مجموع امید چندان برای حل مسئله از طریق مسیر دیپلماتیک فعلی نیست. یکی از مشکلات اصلی این است که اسد مکرراً سیاست دوقطبی کردن جامعه را پیش برده و بسیاری (از ما) به این دام افتاده‌اند. حالا سوال این است که مردم پشت سر چه کسی می‌توانند متحد شوند. الان وقت درنگ کردن و تأمل درباره گزینه‌های دیگر است. اما در حال حاضر هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که فضایی برای دیپلماسی باشد.

دیپلماسی کنونی زمینه ادامه جنگ، گسترش ناامنی و افزایش تعداد جهادگران را فراهم می‌کند. روسیه در حال حاضر قدرت تعیین‌کننده است و به همین دلیل است که ما با آنها مذاکره می‌کنیم. هیچ راه حل ایده آلی وجود ندارد اما کشور را باید به تدریج به یک همبستگی و وحدت رساند.

رابرت فورد

دولت اوباما در آغاز بحران سوریه مرتکب دو اشتباه اساسی شد: اشتباه اول این بود که ما در سال ۲۰۱۲-۱۳ نفهمیدیم که این یک جنگ است: ما می‌گفتیم و واقعاً اعتقاد داشتیم که هیچ راه حل نظامی برای حل بحران وجود ندارد: اما توازن قدرت نظامی همیشه مسئله‌ای بنیادی بوده است: ما آنچه را که رژیم بشار اسد سعی داشت به دست آورد نادیده گرفتیم: پیروزی او ماندن در قدرت بود: دولت اوباما مرتکب اشتباه بدی شد اشتباهی که به طرق مختلف سیاست ما را تحت تأثیر قرار داد.

اشتباه دوم دولت اوباما این بود که ما بین سالهای ۲۰۱۲ و ۲۰۱۴ بیش از حد به روس‌ها اتکا کردیم: تصور ما این بود که آنها می‌توانند دولت اسد را وادار به مصالحه‌های سیاسی قابل توجهی بکنند و هرگز نفهمیدیم که روس‌ها علاقه‌ای به انجام این کار ندارند: اینکه آنها بگویند اسد را دوست ندارند سخنی که بارها تکرار کرده‌اند یک چیز است اما اینکه دولت اسد را مجبور به دادن امتیاز کنند چیز دیگری است: اتکا به روسیه ریشه در امید داشت نه در تحلیل.

جنبه‌های دیگر بحران سوریه نیازمند توجه بیشتری از سوی محققان و مورخان است: در سال ۲۰۱۴ ما به ایجاد یک منطقه پرواز-ممنوع در سوریه فکر کردیم اما هیچکس در آمریکا از این ایده به قوت طرفداری نکرد: ما خیلی محتاط بودیم که وارد یک مداخله نظامی پرهزینه و طولانی نشویم: اما به هر حال در سال ۲۰۱۵ ممنوعیت پروازی در منطقه شرق رود فرات را اجرا کردیم و هزینه‌های حفظ آن بسیار کمتر از حد انتظار ما بود.

در مورد کمک‌های بشردوستانه باید گفت که خیلی از غیرنظامیان در سال‌های اول جنگ جان باختند چرا که اسد کنترل کمک‌رسانی را امری مرتبط با حاکمیت ملی می‌دید: تا اینکه در اواخر سال ۲۰۱۳ سازمان ملل قطعنامه‌ای برای ارسال کمک از طریق مرز ترکیه به جای دمشق تصویب کرد: اما مسئله قوانین بین‌الملل و محدوده حاکمیت دولت کماکان سوال‌های بی‌جوابی است و سوریه خود یک نمونه قابل مطالعه در این زمینه است.

همچنین تصور ما این بود که اگر فشار کافی به اسد و دارودسته او وارد کنیم مجبور به مذاکره خواهد شد: اما بسیاری از تحلیلگران از این دیدگاه رویگردان شدند: وانگهی با نگاهی به گذشته چندان مشخص نیست که فشار اقتصادی بتواند اسد را مجبور به مذاکره کند:

امروز وضعیت نظامی به حدی تغییر کرده که معکوس ساختن آن مستلزم سرمایه‌گذاری هنگفتی است ضمن اینکه هیچ تمایلی برای این کار وجود ندارد: تحریم‌ها نیز بی‌نتیجه اند چرا که برای اسد مردم سوریه اهمیتی ندارند: من با هدف تحریم‌ها موافق ام اما تردید دارم که ابزار مناسبی برای رسیدن به هدف باشد.

آمریکا باید درنگ کند و در مورد منافع اساسی خود در امنیت ملی بیندیشد: مهار داعش اصلی‌ترین هدف آمریکاست: یکی دیگر از منافع آمریکا که جنبه اخلاقی و شاید امنیت ملی هم دارد کمک به پناهندگان است: اما همه فرصت‌هایی که واشنگتن در سال ۲۰۱۳-۲۰۱۴ داشت از دست رفته است: به جای فشار به دولت اسد برای دریافت امتیاز که امری غیرمحمول است تمرکز روی منافع اساسی یک استراتژی منطقی خواهد بود.

جیمز جفری

از منظر تاریخی مسئله سوریه یک کشمکش دوره گذار بود: این بحران آغاز گذار از بحران‌های مرسوم پس از ۱۹۸۹ (به عنوان مثال مداخله در بوسنی) به برخوردهای بین‌المللی است مانند آنچه امروز در قره باغ و تنگه تایوان شاهدیم: سوریه به یک مناقشه دولت با دولت تبدیل شد که به برخی مسائل اساسی مربوط به امنیت خاورمیانه دامن زد: هیچکدام از دو دولت قبلی ایالات متحده نتوانستند از این مسئله درست سر درآورند و این نه فقط یک شکست سیاستگذاری بلکه ناکامی تفکر نیز بود:

یکی از اشتباهات ایالات متحده این بود که سعی کرد به هر یک از پیامدهای وحشتناک این مناقشه به صورت جداگانه نگاه کند: بحران پناهندگان موج حملات تروریستی در اروپا ترس ترکیه از تشکیلات پ.ک.ک و بسیاری از مسائل دیگر به عنوان مشکلات کوچکتر و به صورت جداگانه از سوی بخش‌های مختلف دیوانسالاری ایالات متحده در نظر گرفته شدند: اما این وضعیت در سپتامبر ۲۰۱۸ تغییر کرد یعنی وقتی که رژیم اسد پنجمین توافق آتش‌بس را این بار در منطقه شمال نقض کرد: این یک لحظه تعیین‌کننده بود چرا که سرانجام واشنگتن مشکلات کوچکتر را به عنوان محصول یک مسئله بنیادی بازشناخت یعنی: تلاش اسد برای پیروزی کامل نظامی که در آن زمان در آستانه دستیابی به آن بود.

موضع دولت ترامپ این بود که به رژیم اسد اجازه ندهد این هدف خود را پیش‌تر ببرد: ما در این مورد واکنش کم خطرتری نشان دادیم که همسو بود با رویکرد ایالات متحده در قبال مداخله ایران در عراق و حمله شوروی به افغانستان یعنی اینکه مایل نبودیم منابع مورد نیاز را برای ایجاد یک راه حل تامین کنیم و صرفاً به اینکه نگذاریم طرف مقابل پیروز شود بسنده کردیم: امید ما این بود که این کار منجر به مصالحه‌ای شود که بتواند اهداف ایران و روسیه را در منطقه عقیم سازد: در واقع ما همه منابع خود را روی هم گذاشتیم و این برای

انجماد مناقشه کافی بود. خواست ایالات متحده البته فراتر از صرفاً توقف درگیری‌هاست اما خطر پیروزی ایران و روسیه بسیار جدی است و انجماد مناقشه شیوه فعلی برخورد با آن است.

دولت بایدن هنوز سیاست جامعی در قبال سوریه ندارد. تمایل این دولت در سطح متوسط رو به بالا تمرکز بر مسئله داعش و سیاست مربوط به آوارگان است چرا که این‌ها مواردی است که دولت آمریکا می‌تواند به نحو موثری از پس آنها برآید. مشکل این است که این هر دو موضوع کماکان تجلی بحران اصلی اند و بنابراین حل آنها به طور جداگانه کار سختی خواهد بود.

این گزارش به قلم کالوین وایلدن تهیه شده است. مجموعه نشست‌های مباحث سیاست‌گذاری با حمایت سخاوتمندانه خانواده فلورانس و رابرت کافمن برگزار می‌شود. ❖



[نمایش/چاپ پی‌دی‌اف](#)

همرسانی در شبکه‌های اجتماعی



آگاه‌سازی با پست الکترونیک



[Sign Up](#)



TO TOP

RECOMMENDED

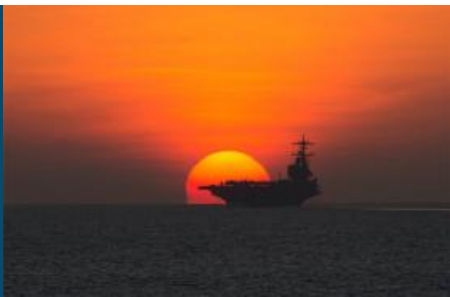


BRIEF ANALYSIS

From Global Jihad to Local Regime: HTS Builds Different Forms of Legitimacy

اوت ۲۰۲۱

Aaron Y. Zelin



BRIEF ANALYSIS

Do Aircraft Carriers Deter Iran?

اوت ۲۰۲۱

Michael Eisenstadt ,
Henry Mihn



BRIEF ANALYSIS

Russia and Iran Are Supporting Assad's Latest Attack on Deraa

اوت ۲۰۲۱

Oula A. Alrifai

TOPICS

سیاست آمریکا

نظامی و امنیتی

دمکراسی و اصلاح

عرب و اسلام سیاسی

REGIONS & COUNTRIES

سوریه

به روز بمانید



SIGN UP FOR EMAIL
ALERTS



THE
WASHINGTON INSTITUTE
for Near East Policy

19th Street NW - Suite 500 1111
Washington D.C. 20036
Tel: 202-452-0650
Fax: 202-223-5364

[تماس](#)
[اتاق خبر](#)
[Subscribe](#)

هدف انستیتو واشنگتن تعمیق درک متعادل و واقع‌بینانه از منافع آمریکا در خاورمیانه و نیز پیشبرد سیاست‌هایی برای حفظ آن منافع است

انستیتو واشنگتن یک سازمان غیرانتفاعی دارای مجوز 501(c)3 است که تمامی کمک‌های مالی به آن شامل معافیت مالیاتی خواهد شد

[در باره انستیتو واشنگتن](#) / [پشتیبانی از انستیتو](#)



© 2021 کلیه حقوق محفوظ است

[استخدام](#) / [حریم خصوصی](#) / [حقوق و مجوزها](#)